

مأموریت بزرگ

درس ۳، پس رفته، همه‌ی امت‌ها را شاگرد سازید

در این جلسه، فرمان بزرگ در مأموریت بزرگ عیسی مسیح رو بررسی می‌کنیم؛ اون قسمتی که فرمان واضح مسیح برای رفتن رو می‌شنویم. حالا در مأموریت بزرگ می‌بینیم که این در واقع یه مأموریته. این یه فرمانه. مسیح به ما می‌گه یه کاری بکنیم. این یه «پیشنهاد بزرگ» یا «گزینه‌ی بزرگ» نیست.

مسیح چیزی رو پیش رومون نمی‌ذاره که در مورد انجام دادن یا ندادنش تصمیم بگیریم. یکی دیگه از انگیزه‌های مهم برای مأموریت‌ها، بشارت و تحقق مأموریت بزرگ اینه که صرفاً مسیح به ما فرمان داده که این کار رو انجام بدیم. این به‌تنهایی به‌عنوان انگیزه‌ای برای رفتن ما و وفاداری به تحقق کامل مأموریت بزرگ، کافیه.

پس وقتی به آیه‌ی ۱۹ می‌رسیم، وقتی به آیه‌ی ۱۹ می‌رسیم، می‌بینیم که عیسی می‌گه، «پس رفته»، «پس»، به حرفش در آیه‌ی ۱۸ وصله؛ اینکه تمامی اقتدار در آسمان و زمین به او داده شده. این انگیزه و مبنای عیسی برای علت رفتن ماست. عیسی این فرمان رفتن رو به این حقیقت مرتبط می‌کنه که او اقتدار داره. چون او اقتدار داره، برید. چون او بر همه‌چیز سلطه و حاکمیت داره، برید.

ما با این اقتدار می‌ریم. با اقتدار خودمون نمی‌ریم. ما از خودمون هیچ اقتداری نداریم. به‌عنوان کشیش کلیسای محلی، و اکثر شما عضو جماعت کلیسای سنت اندرو هستید، اینو می‌دونید، چون اغلب می‌گیم ما به‌عنوان کشیش، اقتدار درونی و ذاتی نداریم. اقتدار ما اقتدار خدمتی هست. اقتدار اعلانی هست.

ریشه‌ی اقتدار ما در خودمون نیست. ریشه‌ی اقتدار ما در کلام خداست. اقتدار ما در خداست. پس کار ما اینه که کلام خدا رو به مردم بدیم، کلام خدا رو به مردم تعلیم بدیم، کلام خدا رو اعلام کنیم؛ چون نهایتاً،

نهایتاً ما به خدا پاسخگو هستیم، چون تحت شبنانی مسیح، شبنانِ اعظم هستیم؛ و شما به خدا پاسخگو هستید. ما باید ناظران وفاداری باشیم که کلام خدا رو به مردم می‌دیم. این اقتداری بود که شاگردان باهاش فراخوانده شدند که برن. نه با اقتدار خودشون، نه با نوعی تکبر فخرفروشانه، بلکه به‌عنوان خادمان و ناظران فروتن خداوند برن. ما باید این طوری بریم.

باید بریم. توجه کنید که پطرس چی می‌گه، وقتی مردم درباره‌ی امیدی که در ماست سؤال می‌کنند، باید برای این امید یه جوابی بدیم، درسته؟ چطوری این کار رو بکنیم؟ با حِلْم و ملایمت. باید به‌عنوان خادمان فروتن خداوند عیسی مسیح بریم، انجیل خدا و مشورت کامل خدا رو اعلام کنیم، تعلیم بدیم و درمیون بذاریم.

باید بریم و مردم رو به‌طرف مسیح هدایت کنیم، نه به‌طرف خودمون. بشارت، مأموریت‌ها و تحقق مأموریت بزرگ برای این نیست که ما ستایش و تمجید بشیم و مردم، ما رو تحسین کنند و بگن، «آه، او چه مبشر- بزرگی هست!» یا «او چه میسیونر شگفت‌انگیزی هست!» بلکه اون‌ها باید تشعشع جلال خدا، اقتدار خدا و زیبایی کلام او رو از طریق ما ببینند. ما دائماً به او اشاره می‌کنیم، نه به خودمون.

ما بشارت نمی‌دیم، مأموریت‌ها رو انجام نمی‌دیم، مأموریت بزرگ رو انجام نمی‌دیم که درجه بگیریم، یا دائماً درباره‌ی کسانی که نجات‌شون دادیم، خودنمایی کنیم و ببالیم. نه، خداوند نجات می‌ده. خداوند تولد تازه می‌ده و ما فراخوانده شدیم که خادمان وفادار او باشیم و حقیقت او، انجیل او، کلام او رو اعلام کنیم.

باشه که او از طریق بشارت ما، مأموریت‌هامون، حمایتمون، فرستادن، بسیج کردن، تمامی تعالیمون جلال بیابه. باشه که او جلال بیابه. حالا عده‌ی زیادی در مورد مأموریت بزرگ و این فرمان بزرگ در مأموریت بزرگ که عیسی می‌گه برید؛ و اکثر ترجمه‌ها اینو به‌درستی، «بروید» ترجمه کردند؛ بسیاری از کسانی که مطالعه کرده و دانشجوی کتاب مقدس هستند، می‌دونند که این کلمه؛ مخصوصاً کسانی که

این‌جا در دانشکده‌ی الهیات هستند و زبان یونانی رو مطالعه کردند، می‌دونند که این کلمه یه «وجه وصفی» هست. «بروید»، در واقع، یه وجه وصفی هست. پس بعضی وقت‌ها مردم میگن، «این باید «درحالی که می‌روید» یا صرفاً «رفتن» ترجمه بشه.» اما این درست نیست. این به‌درستی، به‌صورت امری ترجمه شده، چون این وجه وصفی و طرز نگارشِ اون در این جمله و آیه، واقعاً در جایگاه یه فرمانه.

پس به‌درستی در قالب امری و قالب فرمانِ «بروید» ترجمه شده. این یعنی ما فراخوانده شدیم که بریم. فراخوانده شدیم که کجا بریم؟ عیسی می‌گه، «پس رفته»، آیه‌ی ۱۹، «همه امت‌ها را شاگرد سازید». باید بریم به همه‌ی امت‌ها. باید به همه‌ی قوم‌ها بریم. باید به همه‌ی قومیت‌ها بریم.

باید به همه‌ی زبان‌ها بریم. باید به‌سراغ کسانی بریم که بشارت نیافتند؛ و باید به‌سراغ کسانی بریم که بشارت یافتند. باید به‌سراغ بشارت‌یافتگان بریم و به تعلیم‌شون ادامه بدیم، به شاگردسازی، کمک به بلوغ و رشدشون در کلام خدا و الگوی مسیح ادامه بدیم؛ و باید به‌سراغ افراد و ملت‌های بشارت‌نیافته بریم تا اون‌ها بشنوند، بدونند، ایمان بیارن و پرستش کنند.

اون‌ها چطوری بشنوند، اگه میسیونرها فرستاده نشن؟ ملت‌ها چطوری بشنوند، اگه ما نریم، اگه حمایت نکنیم، اگه فداکاری نکنیم، اگه بسیج نکنیم، اگه منابعی رو تولید نکنیم که به مردم کمک کنه که برن، و ابزارهایی رو به دست مردم بده که وقتی میرن، چیزهایی برای تقدیم کردن، تعلیم دادن و تربیت کردن داشته باشند. این یکی از دلایلی هست که ما این‌جا هستیم، این‌طور نیست؟

این یکی از دلایل خدمات لیگونیره. این یکی از دلایل اکثر خدماتیه که موازی با کلیسا هستند، تا به کلیسا پایبند باشند و به کلیسا خدمت کنند، منابع خوبی رو برای کلیسا فراهم کنند تا کلیسا در سراسر دنیا، به‌عنوان پیروان وفادار عیسی مسیح شناخت پیدا کنه، رشد کنه، پرستش کنه.

ما به این دلیل این مجموعه‌ها رو فراهم می‌کنیم، این طور نیست؟ این که کلیسا شور و حرارت داشته باشه و برانگیخته بشه و برای تحقق مأموریت بزرگ اشتیاق داشته باشه، به خاطر محبت خدا و فرمان خدا؛ چون ما خدا رو می‌شناسیم و می‌خواهیم اسمش رو به اقصای زمین بشناسونیم.

اما توجه کنید که عیسی فقط نمی‌گه، «به ملت‌ها برید». او دقیقاً می‌گه، «رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید.» توجه کنید که عیسی چی نمی‌گه. او نمی‌گه، «بروید و بشارت بدهید.» نمی‌گه، «بروید و ایماندار بسازید.» نمی‌گه، «برید، با نهضت بزرگ وارد بشید، منفجر کنید، و شکست بدید؛ و برگردید و گزارش بدید که چند نفر شنیدند و به انجیل پاسخ دادند.» او نمی‌گه، «برید و صرفاً مقالات تبلیغاتی انجیل رو اون جا بذارید.» حتی نمی‌گه، «برید و یه کتاب مقدس به زبان اون قوم ترجمه کنید.» نه، او می‌گه، «برید و شاگرد بسازید.»

حالا، این جا باید مراقب باشیم، چون بشارت، ایماندار ساختن، توزیع مقالات تبلیغاتی و ترجمه‌ی کتاب مقدس به زبان مادری یه قوم بشارت‌نیافته‌ی خاص، حتی برگزاری نهضت‌ها، یا بشارت دادن به شکل عمومی یا از سکوی موعظه‌ی کلیسا؛ همه‌ی این‌ها بخش و جزوی از شاگردسازی هستند؛ اما اشتباه بسیاری از افراد، اشتباه بسیاری از مسیحیان و کلیساها و حتی بسیاری از سازمان‌های میسیونری در گذشته و در طول تاریخ اینه که با بی‌توجهی به این که مأموریت بزرگ مستلزم چه چیزهایی هست، نتیجه‌گیری کردند که تحقق مأموریت بزرگ فقط مربوط به بشارت‌ه یا فقط مربوط به ایماندار ساختنه.

می‌بینید، واقعیت دشوار اینه. اگه شما رفتید و بشارت دادید، یا اگه یه میسیونر یا آژانس میسیونری رفته و بشارت داده یا فقط رفته و ایماندار ساخته، مأموریت بزرگ رو انجام نداده. اگه ما رفتیم و نهضت بشارتی یا خدمات یا بیداری برگزار کردیم؛ به گفته‌ی بعضی افراد؛ و اون‌ها شاهد ایمان آوردن مردم به مسیح بودند، مأموریت بزرگ رو انجام ندادند. مأموریت بزرگ فقط زمانی انجام می‌شه که مطابق تعریف عهدجدید از شاگرد، ما شاگرد بسازیم.

شاگردسازی سخته و نیازمندِ زمانه. آسون نیست. این تعلیم رو در رو و تک‌نفره‌آس. چنان‌که جلوتر در این آیه می‌بینیم که این فقط تعلیم یه سِری چیزها به مردم نیست، فقط بیان یه سِری مطالب به مردم نیست، فقط اعلام یه سِری چیزها نیست. در واقع، اعلام کردن و تعلیم دادن و انجام کار سختِ تعلیمه. این شاگردسازی تک‌نفره و رو در رو هست. می‌بینید، این فقط مطالعه‌ی کتاب‌مقدس نیست. در واقع، گام برداشتن با مردم، ایستادن در کنار مردم، دست به دست دادن، راه رفتن با اون‌ها، هدایتشون به طرف مسیح، ارائه‌ی الگویی از زندگی مسیح، حتی در زندگی خودمون هست.

چنان‌که پولس می‌گه، «اقتدا به من نمایید چنان‌که من نیز به مسیح می‌کنم.» پس حتی طبق کلامِ کلّوین، زمانی از دیگران پیروی می‌کنیم که اون‌ها از مسیح پیروی کنند؛ اما باید در بین اون‌ها زندگی کنیم. باید مفهوم محبت به خداوند و پیروی از خداوند رو بهشون نشون بدیم. این‌که مفهوم ثمردهی در خداوند چیه. به شایستگی انجیل زندگی کردن چیه. بخشیدن چیه. تلخ نشدن و انتقام نگرفتن از مسیحیان دیگه چیه. به‌عنوان شاگردان عیسی مسیح، نشون دادن محبت به دیگران، به دنیایی که ما رو مشاهده می‌کنه، چیه؛ چنان‌که بزرگ‌ترین دفاعیه‌ی کلیسا، محبت ما به همدیگه هست.

عیسی گفت این‌طوری اون‌ها می‌فهمند که شاگردان من هستید. پس وقتی این کار رو می‌کنیم، وقتی این‌جا این کار رو می‌کنیم، وقتی اون‌جا این کار رو می‌کنیم، وقتی می‌ریم و در هرجایی که خوانده شدیم، این کار رو می‌کنیم، مأموریت بزرگ رو با شاگردسازی از طریق اعلام کردن، تعلیم دادن، تربیت کردن، شاگردسازی، راهنمایی کردن انجام می‌دیم؛ و از طریق مردان مسّنی که کنار مردان جوون قرار می‌گیرند و بهشون تعلیم می‌دن. از طریق خانم‌های مسّنی که کنار خانم‌های جوون قرار می‌گیرند و بهشون تعلیم می‌دن و تربیت می‌کنند و مسیر قدیمی شناخت خدا، محبت به خدا و پیروی از طریق‌های او رو نشون می‌دن.

این کاری بود که عیسی کرد، این طور نیست؟ او شاگرد ساخت. می‌دونید، عده‌ی زیادی میگن، «عیسی برای مُردن متولد شد.» این درسته، اما عیسی فقط برای مُردن متولد نشد. عیسی برای زیستن متولد شد. او در زندگی‌اش، نه‌تنها تمامی فرامین عادلانه‌ی شریعت خدا رو انجام داد، نه‌تنها زندگی کامل و عاری از گناه داشت، طبق معیار عدالتی که خداوند تعیین کرده بود؛ بلکه عیسی شاگرد هم ساخت، به افراد عادی و معمولی تعلیم داد. شاگرد چیه؟ شاگرد، تعلیم‌گیرنده هست. در واقع، یک پیرو هست. در خدمت عیسی، خدمت سیارِ دوران باستان؛ وقتی او راه می‌رفت، وقتی تعلیم می‌داد، وقتی در مقابل اون‌ها زندگی می‌کرد، شاگردانش پشت سرش می‌رفتند. از او پیروی می‌کردند. باهش قدم برمی‌داشتند. از روش‌های او درس می‌گرفتند. به فرامینش گوش می‌دادند. می‌دیدند که او چطور با مردم برخورد می‌کرد. پس این باید کارِ مأموریت بزرگ برای شاگردسازی باشه. این فعل برجسته‌ای هست که کلِ مأموریت بزرگ رو کنترل می‌کنه: «شاگرد سازید».

باید بگم، اگرچه متأسفم که باید بگم در دنیای امروز و کلیسای امروز، در کارِ شاگردسازی، ضعیف بودیم. در شاگردسازی ضعیف بودیم. مردم فکر می‌کنند اگه بتونند فقط آموزه‌های خاصی رو به‌درستی در ذهنشون نگه دارند، اگه بتونند فقط آموزه‌های خاصی رو تأیید کنند، این کافیه.

یا اگه بتونیم مردم رو به کلیسا ببریم؛ فقط مردم رو به پرستش گروهی ببریم، در این صورت، شاگردسازی کردیم. حُب، مهمه که بگیم هدایت کردن به‌سوی کلیسا، پرستش گروهی، یادگیری آموزه‌ی صحیح، در واقع، بخش و جزئی از کارِ هر یک از ما، کارِ هر یک از اعضای وفادار و شرکت‌کننده‌ی کلیساست که در واقع، از این طریق، تا حدودی، مأموریت بزرگ رو انجام بدن و با انجیل بشارت بدن و هر هفته، تا حدودی مأموریت بزرگ رو انجام بدن؛ چون وقتی در پرستش شرکت می‌کنیم، وقتی کلام خدا رو مطالعه می‌کنیم، وقتی زانو می‌زنیم و دعا می‌کنیم، وقتی با فرزندان مون کار می‌کنیم و امور خدا رو بهشون تعلیم می‌دیم و باهاشون درباره‌ی مسائل خدا دعا می‌کنیم، در واقع، چی کار می‌کنیم؟ مأموریت بزرگ رو انجام می‌دیم.

می بینید، مسیحیانی که در پرستش شرکت نمی کنند، متعلق به کلیسای محلی نیستند، کسانی که ادعا می کنند خداوند رو می شناسند، اما در پرستش گروهی شرکت نمی کنند، مطابق کلام خدا عمل نمی کنند؛ در واقع، از مأموریت بزرگ ناطاعتی می کنند. لازم به ذکر نیست که در واقع، شاید با انجیل بهشون بشارت داده نشده. شاید در واقع خداوند رو نمی شناسند، چون کسی که خداوند رو می شناسه، می خواد پرستش کنه.

کسی که انجیل رو می شناسه و انجیل عیسی مسیح رو دوست داره و عیسی مسیح رو دوست داره، می خواد پرستش کنه. ما می خوایم مطابق کتاب مقدس عمل کنیم، می خوایم دعا کنیم، برای انجام این کار انگیزه داریم.

چرا این کارها رو می کنیم؟ چرا در پرستش شرکت می کنیم؟ چرا فداکارانه، زمان و پول و منابعمون رو تقدیم می کنیم؟ چرا این کار رو می کنیم؟ چون خدا انگیزه و اشتیاقی رو برای انجام این کار در درونمون گذاشته. او اشتیاق این کار رو به ما داده. به همین دلیل شما امروز این جا هستید. شما این جا هستید، چون به این چیزها اهمیت می دید و می خواد این چیزها رو یاد بگیرید و در این چیزها رشد کنید. ما این مسائل رو مطالعه می کنیم، چون خدا به اشتیاقی در دلمون گذاشته؛ شور و حرارت یادگیری رو به ما داده. اشتیاق شاگردی و رشد کردن به عنوان شاگرد رو به ما داده، نه این که صرفاً در ایمان مون مثل یه بچه بمونیم، بلکه به بلوغ کامل برسیم. ما گوشت ایمان رو می خوایم.

اما نه تنها گوشت فکری، نه تنها آموزه‌هایی برای فکرمون، بلکه این آموزه‌ی فکری در کل زندگی مون جاری می شه؛ وقتی اینو در قلبمون جذب می کنیم و این از دست و پا و همه‌ی کارهای زندگی مون متصاعد می شه. یادگیری، مطالعه و پیروی از خداوند عیسی مسیح، هر روزه در زندگی و تنفسمون و کل زندگی مون خواهد بود. وقتی پرستش می کنیم، وقتی ستایش می کنیم، نه فقط در روز خداوند، بلکه هر روز و هر ساعت

از زندگی مون؛ ما به عنوان شاگردان عیسی مسیح، خوشی و امتیاز عظیممون رو به عنوان پیروان عیسی خواهیم دید. این کل افکار، اعمال و کلام ما رو شکل می ده.

پس عیسی از ما دعوت می کنه که بریم و شاگرد بسازیم، تعلیم گیرنده بسازیم، پیرو بسازیم. نه فقط ایماندار، نه فقط کسانی که آموزه رو درک می کنند، بلکه کسانی که مطابق آموزه شون زندگی می کنند. می دونید، عیسی در اکثر خدماتش، نه تنها به کسانی اطمینان می داد که اطمینان نداشتند، به کسانی ایمان می داد که فروتنانه پیش او رفتند و ایمان رو طلب کردند؛ کسانی که پیش او رفتند و شفا خواستند؛ عیسی بخشش رو هم داد. عیسی در طول خدمتش چی کار کرد؟

ما می بینیم که عیسی کسانی رو که ایمان متکبرانه داشتند، به چالش کشید؛ یعنی اون ها به خداوند تکیه نمی کردند. به خداوند توکل نمی کردند. به خدا اعتماد نمی کردند؛ خدا رو خوار می شمردند. به فیض تکیه نمی کردند، بلکه فیض رو خوار می شمردند. او بهشون چی گفت؟ گفت: «اگه منو دوست دارید، اگه می گید منو دوست دارید، چی کار خواهید کرد؟ از من پیروی خواهید کرد. اگه می گید به من ایمان دارید، فرامین منو حفظ خواهید کرد.» اگه ما واقعاً به خداوند عیسی مسیح ایمان داریم، اگه واقعاً او رو می شناسیم، پس می خوایم از او پیروی کنیم. می خوایم طبیعتاً ثمر بیاریم، چون با عیسی مسیح متحد شدیم. اگه انجیل رو می شناسیم، به شایستگی انجیل زندگی خواهیم کرد. اگه روح رو می شناسیم، با روح زندگی خواهیم کرد. این روش طبیعی و اساسی ثمردهی شاگردان در زندگی هست.

اگه ثمر نداشته باشیم، اگه اطاعت نکنیم، این یعنی چی؟ طبق کلام یعقوب، ما حتی ایمان واقعی نداریم. پس وقتی شاگرد می سازیم و در این جا، در خونه مون، در کلیسامون شاگرد می سازیم، وقتی خودمون تلاش می کنیم که شاگردان وفادارتری باشیم، کلام خدا و امور خدا رو با الگوی مسیح یاد بگیریم؛ وقتی به ملت ها می ریم و شاگرد می سازیم، فراخوانده شدیم که بریم و کمک کنیم، خدمت کنیم، در کنار دیگران بایستیم؛ یعنی ما نه فقط به نوعی شروع می کنیم، هیجان می دیم، و آروم می کنیم و فکر می کنیم کارمون رو تموم

کردیم؛ بلکه فراخوانده شدیم که جان، پول، زمان، انرژی‌مون رو صرف این فرمان مهمی بکنیم که مسیح به ما داده که شاگرد و تعلیم‌گیرنده بسازیم.

حالا این فعل اصلی: «شاگرد سازید»، دو عبارت وابسته داره. بخش و جزوی از اون به این معناست که شاگرد باشید، برای این که شاگرد بسازیم، عیسی می‌گه اول باید تعمید بگیرند. ببینید در آیه‌ی ۱۹ چی می‌گه، «ایشان را به اسم اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید.»

حالا این مهمه؛ چون در این جا ترتیب چیزی که متی درباره‌ی کلام عیسی ثبت کرده، مهمه. جایگاه تعمید؛ چیزی که این جا می‌بینیم، اینه که تعمید یه حق تصاعدی نیست، این حق آغازین هست. این که تعمید با ورود شخص اتفاق نمی‌افته، بلکه اعطا می‌شه، این با ورود شخص اجرا می‌شه، وقتی یه نفر به خانواده‌ی خدا و جماعتِ عهدی قوم خدا وارد می‌شه. تعمید به همه‌ی کسانی اعطا می‌شه که ایمان دارند؛ و همون طور که ما ایمان داریم، به فرزندانشون اعطا می‌شه. ما می‌بینیم که این حتی در اعمال رسولان نشون داده شد، تا حدودی این، انجام و تحقق مأموریت بزرگه.

در اعمال رسولان، تعمید افراد خانواده رو می‌بینیم؛ کسانی که ایمان دارند، تعمید می‌گیرند و بعد همه‌ی کسانی که در خانواده‌شون بودند، در کنارشون تعمید گرفتند، چون یه همبستگی خاص و آشنا وجود داره، ارتباط خاصی که فرزندان با پدر یا مادر ایماندارشون دارند.

ارتباط خاصی که اون‌ها رو وارد جماعتِ عهدی می‌کنه. چون با فرزندان، فرزندان مسیحیان، فرزندان خانواده‌ی خدا و فرزندان که عضو جماعتِ عهدی هستند، به‌عنوان بیگانه رفتار نمی‌کنیم، این طور نیست؟ به‌عنوان عضوی از خانواده‌ی خدا باهاشون برخورد می‌کنیم. این طوری بهشون یاد می‌دیم که چی کار کنند؟ بهشون یاد می‌دیم که به‌عنوان شاگرد رشد کنند.

مسائلِ خدا رو بهشون یاد می‌دیم. بهشون یاد می‌دیم که چطور کتاب مقدس رو بخوندند، دعا کنند و سرود بخوندند. بهشون یاد می‌دیم که شناخت خداوند به چه معناست، بدونند که تعمیدشون باعث نجاتشون نمی‌شه؛ بلکه فیض خدا فقط به وسیله‌ی ایمان به مسیح، نجاتشون می‌ده. هر روزه امیدوار باشند و دعا کنند که خداوند نجاتشون بده.

این که خدا رو بشناسند. به خداوند عیسی مسیح اعتماد کنند، اما ما به‌عنوان شاگرد باهاشون برخورد می‌کنیم، این طور نیست؟ ما با فرزندان مون به‌عنوان شاگرد برخورد می‌کنیم، امیدواریم به‌درستی خداوند رو بشناسند، واقعاً به خداوند عیسی مسیح برای نجات اعتماد کنند؛ و به‌خاطر این که در خانواده‌ی ما هستند، نجات نیافتند. به‌خاطر این که تعمید گرفتند، نجات نیافتند. به‌خاطر فیض خدا در زندگی‌شون با ایمان نجات یافتند. ما برای این دعا می‌کنیم. ما به این امید داریم.

این مهمه. عیسی می‌گه، «بذارید بچه‌های کوچیک نزد من بیان.» نه‌تنها شاگردان رو توبیخ کرد که سعی کردند جلوی اون‌ها رو بگیرند؛ بلکه از دست شاگردان عصبانی شد. او می‌گه، «بذارید نزد من بیان. جلوشون رو نگیرید.» اما توجه کنید که عیسی دیگه چی می‌گه، او هشدار می‌ده و می‌گه وای بر کسانی که یکی از این کوچکان رو گمراه کنند. عیسی می‌گه بهتر بود یه سنگ آسیاب به گردنشون می‌بستند تا این که یکی از این کوچکان رو گمراه کنند. این یعنی چی؟

یعنی ما فرزندان مون رو شاگردسازی می‌کنیم و تعلیم می‌دیم. پدرها فراخوانده شدند که فرزندانشون رو با نصیحتِ پرورش‌دهنده‌ی خداوند تربیت کنند. فرزندان خارج از این مأموریت بزرگ نیستند. اون‌ها بخش و جزوی از کاری هستند که به‌خاطرش فراخوانده شدیم که بریم و خدمت کنیم. وقتی به خانواده‌ها خدمت می‌کنیم، وقتی به مردان و زنان و کودکان خدمت می‌کنیم، بهشون تعلیم می‌دیم که اون‌ها هم شاگردان عیسی مسیح بشن. اون‌ها رو به اسم پدر، پسر و روح‌القدس تعمید می‌دیم.

توجه کنید که این سه تا اسم نیست. یه اسم، چون خدای ما یکی هست. عیسی می‌گه این اولین وجه،
اولین روش شاگردسازی هست. ما اون‌ها رو تعمید می‌دیم.